



بررسی علل و عوامل یک رویداد، پژوهشگران را بر

آن داشته است که یک پدیده را در بستر و زمان و مکان خودش مورد تبیین و تفسیر قرار دهند. در واقع رویدادها، فارغ از فضای تاریخی نیستند و تأثیر متقابل و تعیین‌کننده عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی بر ساختار و کارگزار نظام سیاسی، نقش بارزی ایفا می‌کند. بر این اساس، پیامد تصمیمات رهبران سیاسی بر بستری از عوامل نهفته است که خواسته یا ناخواسته، بر اثر ورود متغیرهای نامحتمل در بازی تصمیم‌گیری، منجر به بحرانی می‌شود که برگرداندن شرایط به وضعیت تعادل بسیار سخت و گاه ناممکن است.

بدین ترتیب مقاله توهین‌آمیز روزنامه اطلاعات که در صفحه ۷ روز ۱۷دماه ۵۶ علیه امام خمینی به چاپ رسید؛ در بستری از ضدیت با روحانیون، مبارزه با طبقه سنتی، حکومت دست‌نشانده و راتنی و سرکوب مخالفان سیاسی قرار داشت، نوشتار پیش رو تلاش دارد چرایی این مقاله توهین‌آمیز را در بسترهایی که

محمد پورمحمد*؛ حضور مستشاران نظامی آمریکا در ایران دوره محمدرضا پهلوی را می‌توان بخشی از سیاست میلیتاریستی شاه دانست. با پایان جنگ دوم جهانی و افول قدرت‌های استعماری سنتی، ایالات متحده آمریکا و شوروی به‌عنوان دو ابرقدرت مسلط در رقابت‌های منطقه‌ای ظاهر شدند. در این بین، ایران با توجه به موقعیت استراتژیک خود، از بعد امنیتی برای دولتمردان آمریکایی حائز اهمیت بود. از سوی دیگر، ضعف بنیه نظامی و فنی حکومت شاه و وضعیت داخلی ایران، نقش‌آفرینی پررنگ آمریکا در این عرصه را ضروری می‌ساخت. بخشی از این نقش‌آفرینی در قالب فعالیت مستشاران نظامی آمریکا در ایران بود. این نوشتار روایت مختصری از حضور مستشاران آمریکایی در ایران را در این مقطع تاریخی ارائه می‌کند.
پیشینه حضور

فکر خرید جنگ‌افزار از ایالات متحده آمریکا و اعزام مستشاران آمریکایی به ایران، سال ۱۳۰۰ شمسی، هنگامی که رضاخان وزیر جنگ بود، قوت گرفت اما نتیجه‌ای نداشت، چراکه آمریکا‌یی‌ها بر مبنای سیاست عدم مداخله، به درخواست ایران جواب منفی دادند. دیری نگذشت که در اثنای اشغال ایران، پای نیروهای آمریکایی به ایران باز شد. موقعیت استراتژیک ایران و خاورمیانه، نفت و منافع سیاسی و اقتصادی و بازدارندگی از نفوذ شوروی، این کشور را ترغیب کرد تا بنیه نظامی کشورهای منطقه از جمله ایران را تقویت کند و برای آموزش ارتش، مستشاران نظامی اعزام کند. نخستین گروه مستشاری نظامی آمریکا هیات مستشاری ژاندارمری با هدف تجدید سازمان ژاندارمری ایران در پاییز ۱۳۲۲ بود که ریاست آن را سرهنگ «فرمن شورلتسکف» برعهده داشت. بر مبنای ماده یک قرارداد ۳۰ ماده‌ای ماه مه، این هیات زیر نظر وزیر کشور ایران خدمت می‌کرد. مدت اعتبار قرارداد ۲ سال بود و آمریکا هر زمان که می‌خواست می‌توانست نیروهایش را فرابخواند

(ماده ۲ و ۳). طبق ماده ۲ نیز ایران متعهد شده بود از سایر کشورها مستشار نظامی استخدام نکند. ۴ سال بعد در ۱۳۲۶، قرارداد دیگری درباره اعزام هیات مستشاری از آمریکا در جهت افزایش سطح کارآیی ارتش ایران به مدت ۲ سال به امضا رسید. حق ایران برای تمدید و آمریکا برای فسخ یکجانبه در آن به رسمیت شناخته شده بود. در ماده ۱۱ این قرارداد آمده بود: در صورتی که اعضای هیات مستشاری در ایران مرتکب جرم و جنایتی شوند، از ادامه خدمت در ایران معاف و به آمریکا اعزام می‌شوند. همچنین اعضای هیات، حق بازرسی همه تأسیسات نظامی ایران را داشتند. بر مبنای ماده ۲۴ قرارداد، ایران حق استخدام اتباع سایر کشورها را به‌عنوان مستشار نظامی نداشت. وقوع نفع ملی ایران در سال ۱۳۳۰ و روی کار آمدن دولت مصدق، روند فعالیت‌های مستشاران نظامی آمریکا را دچار رکود کرد. آمریکا پس از کودتا با توان بیشتری در

بسترهایی که منجر به نگارش مقاله توهین‌آمیز علیه امام خمینی (ره) شد

دین‌ستیزی و ناکارآمدی

رژیم پهلوی

- سیدهاشم منیری

«جرقه در انبار باروت، گاف بزرگ حاکمیت پهلوی، حماقت غیرقابل باور، خطای نابخشودنی، شعله‌ورسازی آتش زیر خاکستر، واقعه شوم، ضربه عجیب به مملکت، دستیخت هویدا و پوست خربزه زیر پای نظام» نام

می‌برند که هر چند هویت نویسنده تاکنون نامعلوم است اما با توجه به نقش پرنفوذ شاه در هرم قدرت و مخالفتی که با روحانیون بر سر اصلاحات ارضی و پیشبرد تمدن بزرگ داشت، انگشت اشاره به سمت او در نوشتن آن مقاله می‌رود. شاه با توجه به واقعه ۱۵ خرداد ۴۲ و مخالفت‌های امام خمینی نسبت به اصلاحات ارضی، لایحه کاپیتولاسیون و بویژه پاسخ امام به تلگراف یاسر عرفات در شهادت حاج سیدمصطفی خمینی که سلطنت شاه را «غیرقانونی» می‌دانند و او را «هامور اجانب» قلمداد می‌کنند و در جای دیگر این پاسخ، کشتار فجیع و غیرانسانی ۱۵ خرداد را با عمل «چنگیز» در قتل عام مردم مقایسه می‌کنند و نیز او را «سیاه‌دل»، «خان»، «دوستدار آمریکا و اسرائیل» خطاب می‌کنند و راه برون‌رفت از این مسئله را در وحدت مسلمین در جهاد و انقلاب می‌دانند سخت برآشفته می‌شود و برای تضعیف شخصیت امام و کاهش محبوبیت و مقبولیت وی، اقدام یا فرمان به درج آن مقاله را صادر می‌کنند. بنابراین موضع سرسختانه امام طی ۳ پیاپیته‌ای که بعد از فوت فرزندنشان علیه شاه انجام گرفت، خشم و کینه شاه را برانگیخت و او با توجه به قوت قلبی که جیمی کارتر به شاه داد وقت را برای مبارزه با امام مغتنم شمرد و به صورت علنی به مخالفت با ایشان پرداخت زیرا بیانات حضرت امام خمینی، اصل‌ساختار نظام سلطنت را نشانه گرفته بود و آن را «باطل» و پابر جایی این دودمان را محال و مصیبتی برای ملت می‌دانست و «وظیفه عموم مسلمانان و علمای اعلام و روشنفکران و دانشگاهیان را آن دانست که گفتنی‌ها را

بگویند و بنویسند و به گوش مقامات بین‌المللی و سایر جوامع بشری برسانند.» بدین ترتیب، شاه برای دفاع از خود و ساختار سلطنت دست به این عمل زد.

- ساختار ناکارآمد حکومت پهلوی**

منصب شاهنشاهی، در طول تاریخ همیشه مورد نزاع و مخالفت مکتب شیعه و اکثر علمای اعلام قرار گرفته‌است. به همین ترتیب خاندان پهلوی برای حفظ ثبات و تضمین بقای سلطنت به جای تکیه بر ملت ایران و همراه کردن و مشارکت آنان در سیاست‌های آینده کشور، رژیم‌بهدست‌نشانده بود که تلاش می‌کرد با حمایت بیگانگان سرپا بماند و از درون بر سازمان‌های سرکوب‌کننده سلواک تکیه کند و با پول‌های بادآورده‌ای که نصیب این دولت رانتیر می‌گشت، توجهی به وضعیت از هم گسیخته فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کند. این عوامل، بعد از واقعه ۱۵ خرداد ۴۲ و فضای تنگ‌تر ورعب‌آور سیاسی به‌واسطه دستگاه‌های اطلاعاتی–امنیتی عریض و طویل که موازی هم بودند، روی هم بار شد و برای نگه داشتن این دستگاه توخالی و لرزان، هر صدایی را که مخالف منویات شاهانه قرار داشت، سرکوب و نابود می‌کرد. از طرفی ساختار سلطنت و نیز تصمیمات اقتدارگرایانه شاه مبنی بر نوسازی، ولو با اجبار و سرکوب، موجب گسست جامعه از حکومت شد. انقلاب سفید که محور اصلی آن اصلاحات ارضی بود شمار قابل توجهی کشاورزان مستقل و کارگران بی‌زمین به وجود آورد که به لحاظ سیاسی در حکم نوعی نمب بودند و نیز سیاست‌های فرهنگی و هنری که تماماً الگوبرداری از شیوه زندگی آمریکایی و اروپایی بود و وضعیت تک صدایی در تمام وجه سیاسی آن که از سال ۵۳ به حضور تنها حزب کشور، یعنی به «حزب رستاخیز» منجر شد، عواملی بودند که واکنش روشنفکران از جمله امام خمینی را به دنبال داشت. امام، در تبعید از کشور، از پای ننشست

و در جای جای طرح دروس خود در حوزه علمیه نجف با پیش کشیدن «ظریه ولایت فقیه» به نظام سلطنت ایراد گرفت و آن را غیرمشروع دانست اما شاه، سودایی دیگر در سر داشت: «تمدن بزرگ» و برای آن حاضر بود هزینه‌های زیادی بدهد که سرانجام به خاطر آن مجبور شد از کشور فرار کند. افکار کاریکاتورگونه شاه و برنامه‌های حزب رستاخیز، منجر به تنش‌های اجتماعی و سپس سیاسی شد. تورم، ورود کالاهای وارداتی آمریکایی، بی‌توجهی به کشاورزی و ورشکسته کردن بازاران از جمله پیامدهایی است که در نتیجه این سیاست‌ها نمودار شد. این ساختار ناکارآمد به کاهش مشروعیت رژیم و مقبولیت و مشروعیت پیام‌ها و سخنرانی‌های امام در جهت انقلاب مستضعفین و برچیدن تفاوت‌های طبقاتی منجر شد. امام همواره به فساد و چپاول خاندان پهلوی و وابستگی آنها انگشت می‌نهاد و «شاه را به دلیل پشتیبانی از اسرائیل در برابر جهان اسلام به باد انتقاد می‌گرفت» بنابراین در جهت مقابله با این ساختار معیوب هر دو طرف قضیه، در جهت عکس یکدیگر حرکت کردند و طرفی پیروز شد که توانست به پشتیبانی ملت این نظام را برچیند.

- فرجام**

شاه به عنوان کارگزار و نهاد سلطنت، مشروعیت و کارآمدی خود را از دست داده بود و دیگر دستگاه‌های سرکوب نمی‌توانستند صدای مخالفان را چه با توهین و ترور شخصیت و چه سا دیگر ابزارهای خشن و غیرانسانی خفه کنند. انتشار این مقاله توهین‌آمیز، به مثابه انبار باروتی بود که در جهت عکس هدف اولیه آن که تضعیف روحانیون و مذهب قرار داشت و آنچه حزب رستاخیز به برچیدن تضاد طبقاتی به عنوان فلسفه انقلاب ایران یاد می‌کرد، نه تنها انجام نگرفت، بلکه به ریشه‌کن شدن خود نظام سلطنتی منجر شد!
منبع:موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

اینکه نظامیان آمریکا از امتیازات و مصونیت‌های مأموران سیاسی پیش‌بینی‌شده در قرارداد وین برخوردار باشند، منظور آنان مساده ۳۷ پیمان وین بود که بر مبنای آن، دیپلمات‌های هر کشور در کشور دیگر از مصونیت برخوردارند، تا نه نظامیان، این درخواست پس از مذاکرات و مکاتبات عیدینه در قالب لایحه کاپیتولاسیون و استفاده مستشاران نظامی و خانواده‌های آنان، افزون بر مأموران سیاسی و دیپلمات‌های آمریکایی، در کابینه «هیراسلداله علم» در ۱۳ مهر ۴۲ به تصویب رسید و مرداد ۴۳ در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. این لایحه ۲۱ مهر ۴۲ در زمان نخست‌وزیری «استعلی منصور» به مجلس شورای ملی برده شد. لایحه کاپیتولاسیون به دولت اجازه می‌داد رئیس و اعضای هیات‌های مستشاری نظامی ایالات متحده در ایران از مصونیت‌ها و معافیت‌های شامل کارمندان اداری و فنی مصوف در بند «و» ماده اول قرارداد وین، برخوردار کند. تصویب این لایحه موجب اعتراض حضرت امام خمینی شد. امام ۴۱ آبان ۴۳ با صدور بیانیه و سخنرانی، مخالفت خود را به‌صورت رسمی با این قانون اعلام کردند. اعلامیه حضرت امام و اعتراضات مردمی موجب لغو این قانون نشد. دولت تصمیم به تبعید امام خمینی گرفت. اما تبعید نشد و کاپیتولاسیون برجای ماند. تا اینکه پس از پیروزی انقلاب، نه تنها امتیازات، بلکه فلسفه وجودی مستشاران آمریکایی در ایران نیز برچیده شد.

- فرجام سخن**

مستشاران آمریکایی میراث تحولات پس از جنگ دوم جهانی و ورود به‌ظاهر مصلحانه اما مسلحانه آمریکا به جرگه ابرقدرتی بود. میراث حکومت شاهانه‌ای که در پی آرزوهای موهوم خود، سرزمینش را خزانه باروت کرده بود. مستشاران به نام معلم و مصلح قرار بود رمز و راز تسلیحات را بگویند و ارتش بسازند اما آنها بیشتر مهره‌هایی برای اعمال سیاست‌های خرد و کلان آمریکا بودند و گاهی نیز دلالاتی برای مبدلات کلان اسلحه‌گویی ایران به‌مثت گمشده مبارزان از جنگ برگشته ویتنام بود که قرار بود مزد بردشان را در میدان صلح و سخاوت شاهانه محمدرضاکسب کنند.فلسفه وجودی آنها برای منافع ملی ایران هیچ‌گاه در عرصه عمل به بار ننشست و تنها به یک بار اضافی پر هزینه بدل شدند که مجری امیال کشورشان بودند. روایت مستشاران آمریکایی، روایت وابستگی و دست‌نشانده‌گی دولت پهلوی است؛ دولتی که هرچند داعیه سیاست مستقل ملی داشت اما داستان دلدادگی و وادادگی‌اش مثال هر گذر بود و شهره شهر. حضور پرتعداد اما بی‌کیفیت مستشاران، سیاست میلیتاریستی شاه را به نمایش می‌گذاشت که چه وقیحانه، منابع ملی را برای سودهای خام‌اندیشانه خود حراج می‌کرد.

***پژوهشگر تاریخ معاصر منبع:برهان**

تابلوآمل

<div>یاورقی ۴۴</div>
<div>تاریخ مشروطه</div>
<div><ul style="list-style-type: none">دکتر موسی نجفی</div>
<div><ul style="list-style-type: none">نقد غرب در کتاب المثل العلیا فسی السلام لافسی بحملون</div>
<div>مرحوم آیت‌الله کاشف‌الغطاء دربارۀ صداقت غربی‌ها در بیان ارزش‌های اخلاقی و مبارزه با کمونیسم، به زوایایی توجه دارد که برای ادامه بحث ما قابل توجه است:</div>
<div><div> </div><div>بیش از هر چیز این مطلب را بخوبی باید بدانید که عمل، مؤثرتر از زیان و مفیدتر از آن است؛ و نیز باید بدانید که هزاران مذاکره و کنفرانس و تمامی انجمن‌ها و گروه‌ها هر‌گاه بنیانگذاران‌شان به اخلاق شایسته و روش برگزیده ملزّم و پایبند نباشند، کوچک‌ترین اثری برای کارشان پیش‌بینی نمی‌شود. بدون تردید خطر کمونیسم تنها از راه عدالت اجتماعی و آزادی انسان‌ها و نابودی ستمگری و تجاوز و ریشه(کن) کردن اخلاق پست سرمایه‌داری و سودطلبی و بورش نبردن بر حقوق دیگران برطرف می‌گردد.</div><div>شما به‌راستی غربیان اینگونه صفت برگزیده را دارید؟</div><div>و آیا از اخلاق و روح شایسته و عالی برخوردارید؟</div><div>و اصلاً برای اخلاق راستین ارجحی می‌گذارید؟</div><div>و چگونه می‌خواهید چیزی را که ندارید عطا کنید؟</div><div>ضربه‌های دردناک شما و رفتار غیرانسانی‌تان نسبت به مردم فلسطین، روزگار آنها را سیاه کرده و بر زمان لباس ننگ و ذلت پوشانیده است.</div><div>آیا شما نیستید که با دست آلوده به گناهان یعنی یهود پست و فرومایه به عرب ضربه می‌زنید و مردان و زنان و کودکان معصومان را می‌کشید؟ آیا شما نیستید که با پول و اسلحه، یهود را یاری می‌کنید و آنان را بشدت به این جنایات و می‌دارید؟ اگرنه یهود بیچاره‌تر و کم‌جرات‌تر از آن است که این چنین به عرب گستاخ باشند… آیا نزون جنایات شما را انجام داده است؟ شگفتا که در عین حال از عرب و مسلمانان می‌خواهید که به بلوک شما بپیوندند و با شما همپیمان شوند و معاهدات شما را گردن نهند.</div><div>با دستی به چشمشان می‌زنید و با دستی دیگر نوازش‌شان می‌کنید!</div><div>آنگاه نویسنده، به جوهر و ماهیت غرب که همان روح مادی آن است اشاره می‌کند و در بخشی از کتاب با عنوان ماده‌پرستی، اینچنین به ادامه سخن می‌پردازد:</div><div>امروز آمده‌اید و می‌خواهید با ما کنگره‌ای برای نمونه‌های اخلاقی تشکیل دهید و برای پرسش‌نامه است از غرب می‌برید؟ آنگاه بیجا بیا می‌کنید. آیا شما کسانی نیستید که بلاها و سختی‌ها را به‌وجود می‌آورید و خون‌های بیگناهان را در شرق و غرب می‌ریزید؟ تونس، مراکش و الجزایر، در آتش شما می‌سوزد. کره، هند و چین و کنیا در شرق، به شعله‌های شما گرفتار است. تمام اینها از حرص به مال و عشق به ماده است؛ ماده‌ای که در نامهات نوشته‌ای: مباحثات این کنگره منصر است بر جهت روحی و ارزش‌های اخلاقی که در تعلیم دینی آمده و بی‌پایگی فلسفه مادی را روشن می‌سازد!</div><div>آیا دین در نزد شما غیر از ماده چیز دیگری هست؟</div><div>آیا جز ماده، چیزی را می‌پرستید؟ آیا جز راه ماده، دنیا را پر از فتنه و فساد کرده‌اید و آیا جز برای تسلط و استیلا و غلبه بر ماده و فداکاری در راه آن و بنده کردن مردم جهان، بمب‌های اتمی و سلاح‌های کشنده دیگر را می‌سازید؟</div><div>آیا این کوشش‌ها در راه استعمار و سلب آزادی‌های مقدس از آزادمردان، جز برای پرسش‌نامه است اما آیا جز برای همین خود، ناپایدار دهاتنان به آب می‌گردد؟ و آیا آقایی و سیادت را جز بر همین ماده سیاه می‌خواهید؟ آری؛ اهالی قاره آمریکا از عالم قدیم برکنار بودند؛ ولی شیطان شیطاین، استعمار انگلستان، آنها را به این ولایات کشاند و برای مصلحت خویش به این کوره‌ها مشتعل راند. و در وی استعمار را جز به جزه و اخلاقی که ندان‌های استعباد را یکایک در دهانت نشاند. مرحوم کاشف‌الغطاء در یکی دیگر از قسمت‌های کتاب، به وضعت جامعه آمریکا اشاره می‌کند و تبعیض، خشونت و نابرابری را جدی‌ترین نشان و مثال و شاهد دروغویی کسسانی معرفی می‌کند که خود را مدافع آزادی، کرامت انسانی و مبشر اخلاقی عالی می‌دانند. این‌دقت و نقادی جوامع غربی در نزدیک به نیم قرن قبل از زبان یک مرجع شیعی در عراق، درخور توجه و دقت است…</div></div>
<div><div> </div><div>ادامه دارد</div></div>
<div>منبع:کتاب مشروطه‌شناسی، نشر آرما</div>